

تک خبر

جشنواره‌ای برای هویداکردن هویت تهران

● **شرق:** جشنواره عکس «تهران» با هدف هویت‌سازی در شهر تهران و نمایش جاذبه‌های گردشگری بافت تاریخی برگزار می‌شود. این موضوع در نشست خبری جشنواره عکس «تهران» که روز گذشته در ساختمان سازمان زیباسازی برگزار شد اعلام شد.
جشنواره عکاسی بافت تاریخی «تهران» با رویکرد زندگی در محلات قدیم با مشارکت سازمان زیباسازی شهر تهران، کمیته مردم‌نهاد پیگیری حفاظت از خانه‌های تاریخی تهران، انجمن دوستداران میراث تهران و ... برگزار می‌شود.
محورهای این جشنواره، حیات مدنی، کسب‌وکار قدیم و جدید، باورهای دینی و اجتماعی، جاذبه‌های تاریخی و عکس‌های قدیمی بازار در دو بخش اصلی و جانبی اعلام شد.
در این نشست خبری سجاد عسگری، دبیر کمیته پیگیری خانه‌های تاریخی، گفت: در بخش اصلی جشنواره معرفی جاذبه‌های تاریخی، مذهبی و گردشگری بازار، نمایش کسبه بازمانده از قدیم در بازار امروز، نمایش هنجارهای مشاغل جدید، پیشه‌های ناهمگون و کالاهای در بازار سنتی در نظر گرفته شده است.
در بخش جانبی نیز یادمان عکس‌های قدیمی بازار مد نظر است. همچنین ساعد نیک‌ذات، دبیر هنری جشنواره، گفت: مهلت ارسال آثار روز بیستم آذر امسال است و انتخاب داوری آثار نیز در روزهای ۲۲ تا ۲۵آذر انجام می‌شود. معرفی آثار برگزیده همزمان با مراسم افتتاحیه خواهد بود.
این جشنواره در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.
نیک‌ذات گفت: سیداحمد محیط‌طباطبایی، سیمون آیوازیان، مریم زندی، نادر داوودی و ابراهیم صافی گروه انتخاب و داوری آثار هستند. همچنین شرکت در این مسابقه برای همه عکاسان حرفه‌ای، آماتور و علاقه‌مندان در سراسر کشور آزاد است. وی افزود: امیدواریم که در تقویم سالانه خانه هنرمندان با همکاری سازمان زیباسازی روز خاصی برای برگزاری نمایشگاه عکس «تهران» در نظر گرفته شود تا نمایش آثار با مشکل زمانبندی مواجه نشود.
نیک‌ذات همچنین از همه شرکت‌کنندگان خواست تا از طریق سایت جشنواره به آدرس WWW.TAHRAAN.COM ثبت‌نام کنند.
به‌گفته نیک‌ذات دبیر‌خانه جشنواره در عمارت تاریخی عین‌الدوله است. از میان آثار رسیده به دبیر‌خانه حداکثر ۱۵۰ اثر، در بخش اصلی مسابقه و صعدکس در بخش جانبی برای نمایشگاه و چاپ در کتاب انتخاب می‌شود.

لیلا برای فرار از جامعه روی درخت رفته، شب‌های متوالی بدن نحیفش را بالا کشیده، با یک‌لا ملحفه در سرمای پاییزی تهران کز کرده روی شاخه‌های نه‌چندان مطمئن، از ترس آزاروآذیت؛ تجربه‌ای هولناک که بارهاوبارها دچارش شده؛ بی‌صدا، بی‌فریاد با زخم‌های عمیق بر تن و روحش.

کلا چهارماه طول کشیده؛ چهارماه که دختر ۱۵ساله خانۀ تبدیل شود به مادر ناشوا در چهارمین روز ترک شیشه و هروین؛ در سرپناه شبانه زنان معتاد و کارتن‌خواب.

سعی می‌کنند با ایماوآشاره او را متوجه سوال‌های کنند. خودش اما صدایش درنمی‌آید که تنها دست‌هایش می‌چرخند و آواها از دهانش خارج می‌شوند؛ گنگ‌ومهیم، می‌فهمم خانه‌شان شه‌ریار بوده است؛ پدرش نقاش، مادرش خانه‌دار. پدرش در اثر یک تصادف می‌میرد، مادرش سه‌ماه بعد سکنه می‌کند و در آن زمان لیلا تنها در خانه بوده و صدایی نداشته به اوژآنس زنگ بزند. هرچه با برادرهایش تماس می‌گیرد جواب نمی‌دهند تا مادر جلو چشمانش جان می‌دهد. قصه‌اش به اینجا که می‌رسد، آشک‌هایش سرازیر می‌شود؛ آشک‌هایی که خیال بندآمدن ندارند. کسی را یاری تسلیاش نیست. غمش در کنار درد و ببقراری چهارمین‌روز ترک هروین و شیشه برای مداری ۳۵کیلویی‌که چهارماهه هم باردار است، طاقت‌فرساست.

پروانه؛ دختر بهبودیافته‌ای که اولین‌بار لیلا را به سرپناه شبانه «تولد دوباره» آورده، با هیجان می‌گوید: «خودم فیلمش را دیدم، تو کوچه اورا‌قچی‌ها خوابیده بود از ترسش. دم‌دمای صبح بوده انگار، فیلمش را گرفته بودند. خودم فیلمش‌رو دیدم علنا، بین مردم این منطقه چه‌جوری هستن؟ تو تاریک روشن هوا ازش تو خواب فیلم‌گرفته بودن. دنبال سوزن دیگه.»
صداهای درهم گم می‌شوند. هرکس چیزی می‌گوید. لیلا با سه‌تا برادرش زندگی می‌کرده است، یکی متاهل است و دوتا مجرد. برادر را که ادا می‌کند، دوانگشت دودستش را به نشانه پیوند در هم گره می‌زند. ادای فرار را با دوانگشت در حال حرکت درمی‌آورد. ادای کتک و زاری را که درمی‌آورد، انگشت‌هایش را بر صورتش می‌کشد. «دریا» ایماوآشاره‌هایش را ترجمه می‌کند: «برادرهایم زیاد من را کتک می‌زدند، برادرم به من شک کرد.» ادای بریدن مو را درمی‌آورد. «موهایم را برید. کتکم زد.» شکی که حاصلش فرار لیلا از خانه بوده و این، نقطه آغاز تراز‌دی زندگی دخترک می‌شود؛ کتکی که هنوز هم گویا آتارش روی بدنش هست: «زمانی که آمد اینجا جای ضرب‌و‌شتم روی بدنش هنوز باقی مانده بود. با سیم کتکش زده بودند



عکس: پرنده/پرنده

از خوابیدن روی درخت تا انتقال به «سرپناه»

رنجورِ رنج

فاطمه جمال‌پور

آوردش بیرون. موادش را براش نگه می‌داشت. ولی کاری کرد که مواد نکشه. چون تو اون خونه معتادش کرده بودن. من از روزی که دیدمش تو «شوش» بود. یک موقع کاری چیزی داشت گشته‌اش بود یا هرچی من و مهدی بهش کمک می‌کردیم. تا اینکه میم گیر کرد، میم را بردند کمپ و این موند تو خیابان.»
پروانه لابه‌لای آشک‌های روان لیلا ادامه می‌دهد، ضجه‌هایش: «شب اول بعد از رفتن میم موند تو خیابون اما فرداشبیش که دیدم این‌جوریه آوردمش اینجا. تو این منطقه باید یکی بالای سر آدم باشد اگه نباشه همه می‌خوان همه‌جوره سواستفاده کنن. منم دیدم اینطوری شد، می‌خوان ازش سواستفاده کنن. جایی جز اینجا بلد نبودم خدایی، زمان ما این خوابگاه و اینا نبود که ما به این بدختی افتادیم. جاموگان نداشته باشه مصرف‌کننده هم باشه به‌عنوان اینکه ییا جا بدیم بهت، مواد بدیم بهت، آخ‌رش به سواستفاده ختم میشه. من خودم سنم یکم از اینا بالاتر بود این تجربه‌هارو کردم. این نمی‌تونه از خودش دفاع کنه زبون نداره نمی‌تونه داد بزنه.»

صدای گریه لیلا در اتاق می‌پیچد. نفسش لابه‌لای هق‌هق‌ها گیر می‌کند. زن‌های خوابگاه او را در آغوش می‌کشند تا کمی آرام‌تر شوند. دستش را می‌گیرم. تازه یادم می‌افتد که کودک است و دستان کودکی‌اش را گرفته‌ام؛ کودکی که در چهارماه پیش و لابه‌لای دردها جامانده. انگشتانش ظریف و کوتا‌ه‌ند، نقطه‌هایی از لاک‌نقره‌ای روی دست‌هایش جامانده.

دریا در جست‌وجوی راهی برای آرام‌کردنش با ایماوآشاره و صدا می‌گوید: «لیلا اول خدا، انگشت را می‌گیرد به سمت آسمان. رو می‌کند به ثریا اون مادر، من خواهر این‌ها همه دوست.»
«قلیم می‌زند.» با مشت‌ی که روی سینه‌اش می‌گیرد، این را می‌گوید. هرزمانی‌که یاد پدر و مادرش می‌افتد، این‌شکلی می‌شود. لیلا به لرزه می‌افتد. نبضش را می‌گیرند. آب‌قند بهش می‌دهند. پتو می‌پیچند دورش. روز چهارم ترک مواد است. هروین و شیشه را با هم کنار گذاشته. دردهای فیزیکی هروینیش کنار رفته. الان بی‌قراری شیشه مانده.

ثریا می‌گوید: «روز چهارم و روز هفتم سخت‌ترین روزهای ترک شیشه است.» اینجا همه هم‌دردند. دریا ادامه می‌دهد: «لیلا سه‌درد دارد؛ درد خماری

و نسخی و درد بچه‌اش و درد سوم اینکه لال است و نمی‌تواند دردش را بگوید. کارهای بچه‌اش در حال پیگیری است، از طریق قوه‌قضائیه و پزشکی‌قانونی کشور. با پزشکی‌قانونی از طریق دادستانی در حال انجام است اگر دیر هم شود انجام می‌دهند.»

پروانه تعریف می‌کند که: «من یک‌بار با قفل فرمون کتک خوردم سر این. یک‌بار اومدن بیرنش رفتم دعوا با قفل‌فرمون مارو زدن.» ثریا پی حرفش را می‌گیرد که «آوردنش به مرکز به این راحتی نبود. خیلی‌ها اومدن اینجا دنبالش. تهدیدمون کردن. شیشه‌های مرکزرو شکستن. سنگ‌بارون‌کردن مرکزرو شبانه... مردای پارک خود ما رو هم تهدید کردن. همین بار دوم ساعت ۱/۵شب آوردیمش. چهارشب پیش برای بار دوم آوردیمش. بچه‌های اینجا از بیرون خط‌گرفت‌ن، پروندتش، ترسونده بودنش که تحویل مامورا می‌دنت. مینذا‌نت زندان. این بهونه بود که بیرون و ازش سواستفاده کنن. برای اینکه با‌ه‌اش کاسی می‌کنن. بار دوم با مامور رفتم پارک «شوش» برش گردوندیم. سه‌روز تمام منطقه‌رو زیرپا گذاشتیم که پیداش کنیم.» در این مدت چه بر لیلا گذشته بود؟ «حدود ۱۵، ۲۰روز بیرون بود. وضعیت جسمیش شبیه دفعه اولی بود که اینجا آوردیمش. تا مدت‌ها درگیر جراح‌ت‌هایش بودیم.»

«۲۰روز پیش که فراریش دادند، برایش سمعک گرفته بودیم. داشتیم پیگیری می‌کردیم. فقط باید می‌بردیم به‌زیستی قالب‌گوشش را می‌گرفتم که متاسفانه آن موقع فراری‌اش دادند از مرکز.»
قرصی به اصرار می‌دهند بخورده، حالا دیگر گریه لیلا تبدیل به مویه شده است.
لیلا دست‌هایش را به حالت دعا می‌آورد بالا و چیزی می‌گوید. دریا تکرار می‌کند: «خدایا کمک کن.»
آزمایش «اچ‌آی‌وی» و «هپاتیت» او منفی بوده اما کم‌خونی دارد. ۳۵کیلو وزنش است.
اصالتا اهل شمال‌شرق ایران هستند. می‌رود عکس پدر و مادرش را می‌آورد. دوتا عکس ۳۰در۴۰، در قاب کوچک عکس‌ها. پدر و مادر جوانند و جدی. عکس مادرش را می‌گیرد کنار صورتش. می‌گوید شبیه مادرم هستم. با صورتی کشیده، لب‌های درشت و چشم‌های ریز مثل لیل. از آرزوهای لیلا که می‌پرسم لبش به خنده باز می‌شود با همان زبان ایماوآشاره. دست‌هایش را می‌گذارد روی گوش‌هایش و سرش را تکان می‌دهد و می‌خندد: «دوست دارم بازی کامپیوتری، هندفرنی و سمعک داشته باشم. ساعت بزرگ طلایی داشته باشم. مثل ساعت معلم.» دستش را می‌گذارد روی موج دستش. ادای رقصیدن درمی‌آورد برای گرفتن عروس شدن و با خوشحالی می‌فهماند دوست دارد عروس شود. «چون من پدر و مادر ندارم دوست دارم بچه به دنیا بیارم.» شکمش را بزرگ می‌کند. «مادر بچهم بشوم. شوهر داشته باشم که بابای بچهم شود. من بابا ندارم، بچهم بابا داشته باشد.»

دوست دارد خانه بگیرد و هیچ مردی را به خانه‌اش راه ندهد. نشان می‌دهد که از چشمی در بیرون را نگاه می‌کند و مردان را راه نمی‌دهد. انگشت سیابه‌اش را به نشانه نه تکان می‌دهد. به ما تعارف می‌کند با دست‌هایش، «اما شما بایید» انگشتانش را گره می‌زند: «شما دوستاتم هستید.»

در حال رفتنیم که سوگند می‌آید داخل. ۱۷ساله و بسیار زیباست. یکی از زنان کارتن‌خواب او را آورده. دیشب را در پارک خوابیده است. مادرش را ماموران در حال حمل موادمخ‌در گرفته‌اند و صاحبخانه او را از اتاق نقلی‌شان انداخته بیرون. اعتیاد ندارد. کار دریا و ثریا ادامه دارد. این‌بار تلاش برای نگه‌داشتن سوگند در این سرپناه.

در آستانه رای‌گیری وزیر پیشنه‌ادی علوم عنوان شد

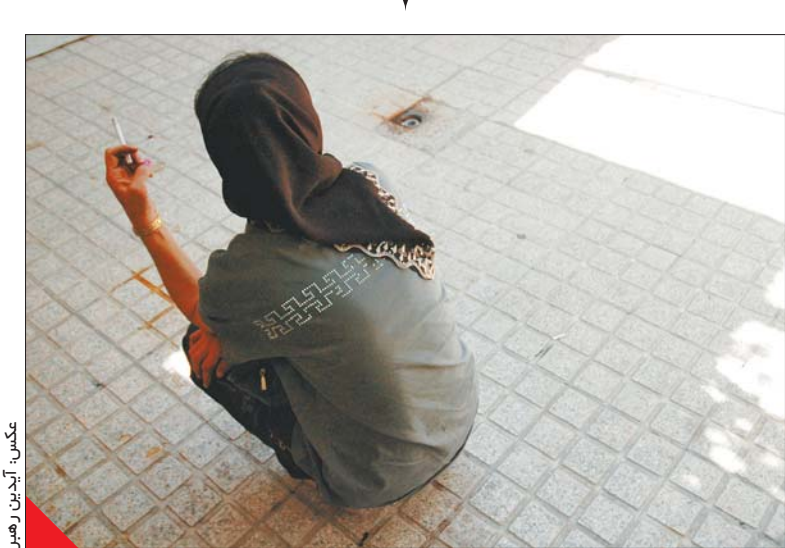
خوش‌بینی «سورنا» به «رای‌اعتماد» فرهادی

کشور (patents) است. با توجه به شناختی که پیدا کرده‌ام، ایشان را فردی علاقه‌مند به امر تجاری‌سازی در حوزه علم و فناوری می‌دانم. «دکتر «ستاری» با اشاره به داراپودن کرسی پژوهشی دکتر فرهادی در implant و دانشگاه علامه طباطبایی، ابراز کرد: «ایشان از چهره‌های ماندگار عرصه پزشکی، پایه‌گذار فرهنگستان‌ها و صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران است. ضمناً دکتر فرهادی از برگزیدگان جایزه علمی علامه طباطبایی بنیاد ملی نخبگان است.» معاون علمی و فناوری ریاست‌جمهوری، دکتر «فرهادی» را مدیر و وزیریی موفق در دوره‌های مختلف فعالیتش عنوان کرد و افزود: «امیدوارم با اعتماد نمایندگان محترم و رای اعتمادی که می‌دهند از مدیریت و توان علمی و معرفی ایشان در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بهره‌مند شویم.»

اختصاص هواپیماهای تفریحی به گردشگران

این هواپیماها پرواز کنند. وی افزود: قصد داریم در گام بعدی باالگردها را نیز برای این‌کار در اختیار قرار دهیم. نمونه‌هایی از این باالگردهای تفریحی اکنون در نمایشگاه صنعت هوایی برای معرفی وجود دارد. منطقی بیان کرد: اکنون تعداد باالگردها با هواپیماهای کوچک تفریحی که مردم از آن برآی گردش استفاده می‌کنند بسیار محدود است. قصد داریم تعداد هواپیماهای تفریحی را بیشتر کنیم.

جامعه



عکس: پرنده/پرنده

از خوابیدن روی درخت تا انتقال به «سرپناه»

رنجورِ رنج

فاطمه جمال‌پور

گزارش خبری

● **مسعود پزشکیان:**

طرح تحول سلامت مخالف مسیر عدالت است

● **شرق:** طرح تحول نظام سلامت پس از اجرای آن، طی سه‌ماه اخیر، منتقدان خود را شناخت. مسعود پزشکیان عضو کمیسیون بهداشت مجلس گفت: طرح تحول سلامت از ابتدا خلاف مسیر عدالت بود. پول‌هایی که دولت تزریق کرده قرار بود برای کمک به سلامت مردم مناطق محروم هزینه شود نه به جیب یک قشر خاص برود. در نسیت با درآمد سرانه، درآمد پزشکان متخصص در ایران بیش از هفت برابر درآمد پزشکان آمریکاست. بخش مهمی از انتقاد پزشکیان ناظر به فاز سوم این طرح است؛ آنجایی که وزارت بهداشت و درمان کشور با رونمایی از کتاب جدید تعرفه‌گذاری در بخش سلامت، تعرفه پزشکان را افزایش داده است؛ اقدامی که با هدف پایان‌دادن به بهانه‌های برخی پزشکان برای دریافت زیریمی به‌دلیل واقعی‌نبودن تعرفه‌ها، صورت گرفت. حالا مسعود پزشکیان وزیر اسبق بهداشت و عضو فعلی کمیسیون بهداشت است، درحالی‌مجلس، این افزایش تعرفه‌ها را مغایر با عدالت می‌خواند. او در توضیح این ادعای خود گفت: منابع مالی لازم برای اجرای طرح تحول سلامت پیش از این از سوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی تخصیص داده شده است بنابراین منابعی که باید برای مردم در نظر گرفته شود، در نظر گرفته شده است. پزشکیان در ادامه گفت یکی از منابع تخصیص‌داده‌شده، ۱۰درصد خالص هذفندی یارانه‌هاست که در زمان دکتراحمدی‌نژاد و برخلاف میل دولت قبل، مجلس آن را به تصویب رساند اما متاسفانه دکتر احمدی‌نژاد این قانون را اجرا نکرد. وزارت بهداشت معتقد است، با افزایش تعرفه‌های درمانی به‌نفع پزشکان، دیگر کشور شاهد پدیده دریافت زیریمی نیست. چراکه پزشکان به اندازه زحمتشان حقوق دریافت می‌کنند و دیگر نیازی به زیریمی‌گرفتن ندارند. اما منتقدان می‌گویند، زیریمی‌گرفتن ناشی از زیاده‌خواهی برخی پزشکان است و بودجه‌های ترقی‌بی به این وزارتخانه به جای آنکه بخشی از این بودجه به جیب پزشکان برود، باید در مناطق محروم سرمایه‌گذاری شود. همچنین منتقدان می‌گویند، این موضع وزارت بهداشت باعث کاهش ماندگاری پزشکان در مناطق محروم کشور می‌شود. همزمان بررسی‌های روزنامه «شرق»، نشان می‌دهد هزینه‌های درمانی طی ۱۱سال اخیر به‌طور سرسام‌آوری افزایش یافته است؛ به‌طوری‌که تعرفه‌های درمانی پزشکان عمومی در بخش دولتی در سال۱۳۹۲در مقایسه با تعرفه‌های درمانی پزشکان عمومی در سال۱۳۸۳، ۴۰۰درصد و تعرفه‌های پزشکان عمومی در بخش خصوصی در سال۱۳۹۲در مقایسه با سال۱۳۸۳، ۷۰۰درصد افزایش داشته است؛ افزایش قابل‌توجهی که به شکل نگران‌کننده‌ای زمینه‌ساز افزایش پرداخت هزینه‌های درمانی از سوی مردم می‌شود. براساس اطلاعات موجود، قیمت ویزیت پزشکان عمومی در بخش دولتی در سال۱۳۸۳، هزارو۱۰تومان بود که در سال۱۳۹۲به پنج‌هزارو۵۰تومان رسیده است. همچنین ویزیت پزشکان عمومی در بخش خصوصی در سال۱۳۸۳، هزارو۴۴۰تومان بود که در سال۱۳۹۲به ۱۱هزارو۵۰۰تومان رسیده است، افزایش ۴۰۰ تا ۷۰۰درصدی تعرفه‌های درمانی پزشکان عمومی از سال ۸۳ تا سال۱۳۹۳ادر حالی است که میزان افزایش تعرفه‌ها در میان پزشکان متخصص، فوق‌تخصص و روانپزشکان نیز با افزایش بسیار زیادی همراه بوده است. به‌طوری‌که تعرفه‌های پزشکان متخصص در بخش دولتی از سال۸۳تا به امروز ۳۰۰درصد و در بخش خصوصی ۴۵۷درصد، تعرفه پزشکان فوق‌تخصص در بخش دولتی از سال۸۳تا به امروز ۲۸۰درصد و در بخش خصوصی ۶۰۱درصد و همچنین تعرفه روانپزشکان در بخش دولتی از سال۸۳تا به امروز ۸۳درصد و در بخش خصوصی ۴۳۶درصد و در بخش خصوصی ۶۹۱درصد افزایش داشته است. عضو کمیسیون بهداشت مجلس با اشاره به افزایش قیمت تمام‌شده و هزینه خدمات در مراحل اجرای طرح تحول نظام سلامت، بیان کرد: با افزایش قیمت‌ها، رسیدگی به مناطق محروم با مشکلات بیشتری مواجه خواهد شد و این در حالی است که امکان تزریق بیشتر هزینه توسط دولت و مجلس به این سیستم نیست و از سوی دیگر افزایش درآمد در شهرهای بزرگ، خالی‌شدن شهرهای کوچکتر را نیز به‌دنبال خواهد داشت. وزیر اسبق بهداشت همچنین با اشاره به اینکه در مصوبه مجلس آمده که هزینه یک‌درصد ارزش‌افزوده باید صرفاً برای مناطق محروم و شهرهای کمتر از ۲۰هزارنفر جمعیت صرف شود، بیان کرد: ۱۰درصد خالص هدفمندی یارانه‌ها را هم برای بیماران خاص و صعب‌العلاج و کسانی که در مناطق محروم هستند در نظر گرفتیم، یعنی اولویت برای کسانی بود که در مناطق محروم خدمت می‌کنند. پزشکیان افزود: اما نتیجه این طرح تاکنون این شد که بیمارستان‌های مجهز، مجهز شدند و مناطق محروم بدون امکانات ماندند و پول به دست کسانی رسید که دارا‌تر هستند و بیمارستان و شهری که دارا‌تر است، پول بیشتری را از این هزینه‌ها به خود اختصاص داده و می‌دهد. پزشکیان گفت: این بالا‌بردن تعرفه‌ها، وقتی در بخش‌های دیگر پول بیشتر می‌دهد کم‌کم مناطق محروم را خالی از پزشک خواهد کرد.